



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سوره هود و سجده
پیش از شکر
محمد طهرانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیره و سخن پیشوایان علیهم السلام و از هر معصوم چهل حدیث قسمت مربوط به امام جواد (ع)

نویسنده:

محمد علی کوشا

ناشر چاپی:

حلم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سیره و سخن پیشوایان علیهم السلام و از هر معصوم چهل حدیث قسمت مربوط به امام جواد (ع)
۷	مشخصات کتاب
۷	پرتوی از سیره و سیمای امام جواد
۹	سخنان امام جواد
۹	نیاز مؤمن به سه چیز
۹	استواری پیش از اظهار
۹	کیفیت بیعت زنان با رسول خدا
۱۰	قطع نعمت، نتیجه‌ی ناسپاسی
۱۰	تأخیر در توبه
۱۰	نامه‌ی امام جواد به دوستش
۱۰	مسئولیت گوش دادن
۱۰	پسندیدن، در حکم پذیرفتن
۱۰	نوشته‌ی امام جواد
۱۱	دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا
۱۱	موعظه‌ای جامع
۱۱	پاسخ به یک سؤال فقهی
۱۱	عالمان غریب
۱۱	در جواب یک معمای فقهی
۱۲	پاسخ مبسوط امام جواد به یک سؤال فقهی حج
۱۳	سرچشمه‌ی دانش علی
۱۳	سفارش پیامبر اکرم به فاطمه
۱۳	مهدی منتظر

- ۱۴ دیدار با دوستان
- ۱۴ هوای نفس
- ۱۴ مرکب شهوت
- ۱۴ متمسکین به خدا
- ۱۴ شناخت آغاز و انجام
- ۱۴ نتیجه‌ی تلاش استوار
- ۱۴ سپاس نعمت
- ۱۴ سازش با مردم
- ۱۴ نتیجه‌ی کار بدون آگاهی
- ۱۵ قضای حتمی
- ۱۵ افشاگری زمان
- ۱۵ دقت و خودپایی
- ۱۵ چنین مباش
- ۱۵ رضایتی که در حکم عمل است
- ۱۵ گناهان مرگ خیز
- ۱۵ عوامل جلب محبت
- ۱۵ اعتماد به خدا، نردبان ترقی
- ۱۵ سرعت تقرب، با دل‌های پاک
- ۱۶ پرهیز از آدم شرور
- ۱۶ مانع خیر، دشمن آدمی است
- ۱۶ اسباب رضوان خدا و رضایت آدمی
- ۱۶ پاورقی
- ۱۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیره و سخن پیشوایان علیهم السلام و از هر معصوم چهل حدیث قسمت مربوط به امام جواد (ع)

مشخصات کتاب

سرشناسه: کوشا، محمد علی، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدید آور: سیره و سخن پیشوایان: زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام) و از هر معصوم چهل حدیث / تالیف و ترجمه محمد علی کوشا.

مشخصات نشر: قم: علم، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال؛ ۳۰۰۰۰ ریال: چاپ دوم: ۸-۱۹-۸۴۹۰-۹۶۴

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: **Mohammad Ali Koosha. Attitude and Motto Leaders.**

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۶ (فپا).

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۵۸ - ۳۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: زندگانی چهارده معصوم (علیه السلام) و از هر معصوم چهل حدیث.

موضوع: چهارده معصوم -- سرگذشتنامه

موضوع: اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: BP۳۶/ک۹ س۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۲۶۷۸۳

پرتوی از سیره و سیمای امام جواد

در تاریخ ولادت امام محمد تقی، ملقب به جواد، اختلاف است. قول مشهور این است که آن حضرت در دهم رجب سال ۱۹۵ قمری در مدینه چشم به جهان گشوده است. کنیه‌ی آن حضرت ابو جعفر و پدر گرامی‌اش حضرت علی بن موسی الرضا و مادر بزرگوارش سبیکه، معروف به خیزران است. دوران زندگی جواد الائمه علیه السلام مصادف با دوران حکومت مأمون و معتصم عباسی بود و معتصم در بغداد تصمیم به قتل آن حضرت گرفت و سرانجام به وسیله‌ی ام الفضل - همسر امام و دختر مأمون - آن پیشوای معصوم را در ۲۵ سالگی، مسموم کرد و به شهادت رساند. زندگانی امام محمد تقی، جواد الائمه علیه السلام ادامه‌ی راه و روش پدرش حضرت امام رضا علیه السلام بود. مأمون کوشش می‌کرد که دل امام را به دست آورد و او را به دار الخلافه نزدیک کند. او توطئه‌ی خود را برای از میان بردن جنبش و حرکت تشیع در چهارچوب خلافت عباسیان همچنان ادامه می‌داد و هدفش این بود که بین امام و پایگاه مردمی او فاصله اندازد و آن حضرت را از مردم دور سازد، ولی می‌خواست به طریقی این نقشه را اجرا کند که مردم تحریک نشوند. مأمون، بر اساس همان نقشه قدیمی، در جامه‌ی دوستدار امام ظاهر شد و «ام الفضل» [صفحه ۲۶۲] دختر خود را به ازدواج او درآورد تا از تأیید امام علیه السلام برخوردار باشد و اصرار کرد که با کمال عزت در کاخ مجلل او زندگی کند. اما امام پافشاری می‌ورزید که به مدینه بازگردد تا نقشه‌ی مأمون را در کسب تأیید امام برای پایداری خلافتی که

غضب کرده بود، نقش بر آب سازد و مشروعیت حکومت او را در دل مردم خدشه‌دار نماید. امام جواد علیه‌السلام راه و رسم پدر بزرگوارش را ادامه داد و در ایجاد آگاهی فکری و عقیدتی شیعیان کوشش فراوان نمود، فقیهان را از بغداد و شهرهای دیگر، پیرامون خود، در مدینه فراهم آورد تا با او مناظره کنند و از او بپرسند و از راهنمایی‌های او بهره بگیرند. شیخ مفید رحمه‌الله گوید: «مأمون، امام جواد را دوست می‌داشت. زیرا با وجود کمی سن، شخصی فاضل بود و به درجه‌ی والا از علم و دانش رسیده بود و در ادب و حکمت و کمال عقل، مقامی داشت که هیچ یک از مشایخ زمان، با او برابری نمی‌توانست کرد.» صغر سن امام علیه‌السلام از پدیده‌های اعجاز‌آمیز اوست که در روحیه‌ی حاکمان آن زمان اثری فوق‌العاده گذاشته بود. وقتی پدر بزرگوارش درگذشت. از عمر امام جواد حدود هشت سال بیش نگذشته بود و در همان سن، عهده‌دار منصب امامت گردید. امام علیه‌السلام با پایگاه‌های مردمی طرفدار و مؤمن به رهبری و امامتش به طور مستقیم در مسائل دینی و قضایای اجتماعی و اخلاقی در تماس بود. وقتی مأمون، امام علیه‌السلام را به بغداد یا مرکز خلافت آورد، امام علیه‌السلام اصرار ورزید تا به مدینه بازگردد، مأمون با این درخواست موافقت کرد و آن حضرت مدتی عمر شریف خود را در مدینه گذراند. معتصم از فعالیت و کوشش‌های او برآشفته بود، از این رو، آن حضرت را به بغداد فراخواند و هنگامی که امام علیه‌السلام وارد عراق گردید، معتصم و جعفر، پسر مأمون، پیوسته، توطئه می‌چیدند و برای قتل آن بزرگوار حيله می‌اندیشیدند، تا اینکه آن حضرت در سال ۲۲۰ هجری در آخر ماه ذی‌قعدة، به شهادت رسید. [۱]. [صفحه ۲۶۳] از بیشتر روایات چنین برمی‌آید که وقتی امام رضا علیه‌السلام به درخواست مأمون به خراسان رفت، فرزندش ابوجعفر (امام جواد علیه‌السلام) را در مدینه به جای گذاشت و مأمون پس از بازگشت به بغداد در سال ۲۰۴ هجری امام جواد را به حضور خود فراخواند تا دخترش ام‌الفضل را به ازدواج او درآورد، در آن هنگام، امام آن چنان که در روایت شیخ مفید و دیگران آمده است، در آغاز ده سالگی بود. نویسنده‌ی متنوع و معروف، هاشم معروف الحسینی، در کتاب «زندگی دوازده امام» در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «البته من با وجود اینکه از روایات چیزی در دست ندارم که حکایت از همراه بردن خانواده و فرزند از سوی امام رضا علیه‌السلام به خراسان، داشته باشد بعید می‌دانم که ایشان را در حجاز جا گذاشته و به تنهایی عازم سفر گردیده باشد، بویژه که خود نسبت به این سفر بدبین بود و وداعش با قبر پیامبر در مدینه و با کعبه در مکه، وداع کسی بود که امید زیارت مجدد نداشت. فرزند ایشان حضرت جواد علیه‌السلام، با وجود خردسالی، بیم و نگرانی پدر را به هنگام طواف وداع کاملاً درک و احساس می‌کرد. همچنان که من ازدواج ایشان را در این سن اندک با دختر مأمون، پس از گفتگویی که میان مأمون و بنی‌عباس از یک سو و امام جواد و قاضی القضاة از سوی دیگر به همین مناسبت جریان یافت بعید می‌دانم. ترجیح می‌دهم که ایشان در خراسان نیز همراه پدر بودند و جز مرگ امام رضا علیه‌السلام، چیزی ایشان را جدا نکرد. آن حضرت پس از وفات پدر با خانواده پدری به مدینه بازگشتند و بعد از بازگشت مأمون به بغداد و محکم شدن جای پای او، ایشان را به بغداد فراخواند و به خود نزدیک ساخت و اظهار ارادت و دوستی نمود و دخترش را به ازدواج وی درآورد تا از تهمت ترور پدر ایشان، رهایی یابد که ناگزیر در چنین هنگامی، در سنی باید باشد که بتواند ازدواج کند.» [۲] در تاریخ بیهق (ص ۴۶) آمده است: که حضرت جواد در سال ۲۰۲ قمری برای دیدن [صفحه ۲۶۴] پدرش از مدینه به خراسان رفت و در سر راه خود که از راه طبرس به مسینا بود (زیرا راه قومس یا سمنان و دامغان در آن زمان بسته بود) از بیهق به قریه‌ی ششتمذ رفت و از آنجا رهسپار زیارت پدرش گردید. اما بنا به روایت دیگر حضرت جواد به هنگام شهادت حضرت رضا علیه‌السلام در مدینه بود و بنابراین اگر خبر تاریخ بیهق درست باشد باید گفت که حضرت جواد پس از زیارت پدرش به مدینه بازگشته است. مؤید این مطلب آن است که مأمون پس از بازگشت به بغداد، حضرت جواد علیه‌السلام را از مدینه فراخواند و دخترش ام‌الفضل را به ازدواج او درآورد، زیرا با وجود صغر سن، ادب و کمال عقل آن حضرت را پسندیده بود. پس مأمون می‌بایست او را در خراسان دیده باشد تا در مراجعت به بغداد او را از مدینه فراخوانده باشد تا دخترش را به او بدهد. [۳]. روایان روایت کرده‌اند که امام جواد علیه‌السلام پس از ازدواج با دختر مأمون، به اتفاق همسرش «ام‌الفضل» با

بدرقه‌ی مردم، راهی مدینه گردید و هنگامی که به دروازه‌ی کوفه رسید با استقبال پر شور مردم رو به رو گردید، و آن چنان که در روایت شیخ مفید آمده است به دار المسیب وارد شدند و در آنجا به مسجد رفتند. در محوطه‌ی این مسجد، درخت سدري بود که هنوز به بار نشسته بود، حضرت کوزه‌ای آب خواستند و پای این درخت به وضو پرداختند و سپس برخاسته، نماز مغرب را به جای آوردند و پس از پایان نماز، اندک زمانی به دعا پرداختند و سپس نمازهای مستحبی خواندند و تعقیبات آن را به جای آوردند و در این هنگام وقتی به سوی درخت سدر بازگشتند، مردم دیدند که این درخت به بار نشسته، در شگفت ماندند و از میوه‌اش خوردند، آن هم میوه‌ای شیرین و بدون هسته! آنگاه امام را وداع گفته و در همان زمان، امام علیه‌السلام راهی مدینه شدند و تا هنگامی که معتصم در آغاز سال ۲۲۵ ایشان را به بغداد فراخواند، در آنجا اقامت داشتند و از آن پس در بغداد بودند تا این که در پایان ذی‌القعده همان سال، وفات یافتند. [۴]. [صفحه ۲۶۵] راویان، سالی را که امام، همراه همسرش ام‌الفضل از بغداد عازم مدینه شدند و نیز تاریخ سال ازدواجشان را معین نکرده‌اند. هر چند که روایت شیخ مفید گویای این است که آن حضرت بعد از پیروزی‌اش بر یحیی بن اکثم در آن مناظره‌ی معروف در سن نه سالگی، موفق به ازدواج با دختر مأمون شد، ولی عبارت مسعودی در کتاب «اثبات الوصیة» القاگر آن است که امام پس از آن که به سن مناسب ازدواج رسید، تن به این کار داد. در «اعیان الشیعه» آمده است: آنگاه امام جواد علیه‌السلام از مأمون اجازه‌ی رفتن به حج خواست و به اتفاق همسرش از بغداد، قصد مدینه کرد. پس از عزیمت امام جواد علیه‌السلام به مدینه، مأمون در طرطوس وفات یافت و با برادرش معتصم بیعت شد، سپس معتصم، امام جواد علیه‌السلام را فراخواند و ایشان را به بغداد آورد. بدین گونه می‌توان گفت در مورد مدت اقامت ایشان در مدینه و بغداد و تاریخ ازدواج و وفات ایشان در روایات، مطلب اطمینان بخش و قابل اعتمادی که به طور قطع بتوان برداشت شخصی از آن کرد، وجود ندارد. آنچه مسلم است این که ایشان بیشترین دوره‌ی زندگی خود را در زمان مأمون طی کرد و در این فاصله در تنگنا قرار نداشت و کنترلی بر او صورت نمی‌گرفت. امام، چه در بغداد و چه در مدینه، از این فرصت برای انجام رسالت خود بهره‌برداری کرد؛ شیعیان نیز در مورد امامت او اتفاق نظر داشته و راویان، دهها روایت را در موضوع‌های مختلف از وی نقل کرده‌اند. در اینجا چهل حدیث برگزیده را از میان کلمات نورانی آن حضرت، که هر کدام درسی از اخلاق و ارئه‌ی راه فضیلت و تقواست، به شیفتگان مکتب پربارش تقدیم می‌گردد. [صفحه ۲۶۶]

سخنان امام جواد

نیاز مؤمن به سه چیز

المؤمن یحتاج الی توفیق من الله، و واعظ من نفسه، و قبول ممن ینصحه. [۵]. مؤمن نیاز دارد به توفیقی از جانب خدا، و به پند گویی از سوی خودش، و به پذیرفتن از کسی که او را نصیحت کند.

استواری پیش از اظهار

اظهار الشیء قبل أن یتحکم مفسده له. [۶]. اظهار چیزی قبل از آنکه محکم و پایدار شود سبب تباهی آن است.

کیفیت بیعت زنان با رسول خدا

کانت مبايعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم النساء أن یغمس یده فی اناء فیہ ماء ثم یخرجها و تغمس النساء بأیدیهن فی ذلک الاناء بالاقرار و الایمان بالله و التصدیق برسوله علی ما أخذ علیهن. [۷]. بیعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با زنان این چنین

بود که آن حضرت دستش را در ظرف آبی فرومی‌برد و بیرون می‌آورد و زنان [نیز] با اقرار و ایمان به خدا و رسولش، دست در آن ظرف آب فرومی‌کردند، به قصد تعهد آن چه بر آنها لازم بود. [صفحه ۲۶۷]

قطع نعمت، نتیجه‌ی ناسپاسی

لا ینقطع المزیّد من الله حتی ینقطع الشکر من العباد. [۸]. افزونی نعمت از جانب خدا بریده نشود تا آن هنگام که شکرگزاری از سوی بندگان بریده شود.

تأخیر در توبه

تأخیر التوبه اغترار و طول التسویف حیره، و الاعتذار علی الله هلکة و الاصرار علی الذنب أمن لمکر الله «فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون». (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۹) [۹]. به تأخیر انداختن توبه نوعی خودفربیی است، و وعده‌ی دروغ دادن نوعی سرگردانی است، و عذر تراشی در برابر خدا نابودی است، و پافشاری بر گناه آسودگی از مکر خداست. «از مکر خدا آسوده نباشند جز مردمان زیانکار». [۱۰].

نامه‌ی امام جواد به دوستش

کتب الی بعض أولیائه: أما هذه الدنيا فانا فیها مغترفون ولكن من كان هواه هوی صاحبه و دان بدینه فهو معه حیث كان و الاخره هی دار القرار. [۱۱]. امام جواد علیه‌السلام به یکی از دوستانش نوشت: اما در این دنیا ما زیر فرمان دیگرانیم، ولی هر که خواسته‌ی او خواسته‌ی امامش و پذیرای دین او باشد، هر جا که باشد با اوست و دنیای دیگر سرای جاودان است. [صفحه ۲۶۸]

مسئولیت گوش دادن

من أصغی الی ناطق فقد عبده، فان كان الناطق عن الله فقد عبد الله و ان كان الناطق ینطق عن لسان ابلیس فقد عبد ابلیس. [۱۲]. هر که گوش به گوینده‌ای دهد به راستی که او را پرستیده، پس اگر گوینده از جانب خدا باشد در واقع خدا را پرستیده و اگر گوینده از زبان ابلیس سخن گوید، به راستی که ابلیس را پرستیده است.

پسندیدن، در حکم پذیرفتن

من شهد أمرا فکراهه کان کمن غاب عنه، و من غاب عن أمر فرضیه کان کمن شهده. [۱۳]. کسی که در کاری حاضر باشد و آن را ناخوش دارد، مانند کسی است که غایب بوده، و هر که در کاری حاضر نباشد، ولی بدان رضایت دهد، مانند کسی است که خود در آن بوده است.

نوشته‌ی امام جواد

ان أنفسنا و أموالنا من مواهب الله الهنیئة و عواریه المستودعة یمتع بما متع منها فی سرور و غبطة و يأخذ ما أخذ منها فی أجر و حسبه فمن غلب جزعه علی صبره حبط أجره و نعوذ بالله من ذلك. [۱۴]. حضرت جواد الائمه علیه‌السلام به خط خود نوشت: جانها و دارایی‌های ما از بخشش‌های گوارای خدا و عاریه و سپرده‌ی اوست، هر آنچه را که به ما ببخشد، مایه‌ی خوشی و شادی است و هر

آنچه را بگیرد، [صفحه ۲۶۹] اجر و ثوابش باقی است. پس هر که جزعش بر صبرش غالب شود اجرش ضایع شده و از این [کار] به خدا پناه می‌بریم.

دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا

أوحى الله الى بعض الأنبياء: أما زهدك فى الدنيا فتعجلك الراحة، و أما انقضاءك الى فيعززك بي، ولكن هل عادت لى عدوا و واليت لى وليا. [۱۵]. خداوند به یکی از انبیا وحی کرد: اما زهد تو در دنیا شتاب در آسودگی است و اما رو کردن تو به من، مایه‌ی عزت توست، ولی آیا با دشمن من دشمنی، و با دوست من دوستی کردی؟

موعظه‌ای جامع

توسد الصبر و أعتنق الفقر و ارفض الشهوات و خالف الهوى و اعلم أنك لن تخلو من عين الله فانظر كيف تكون. [۱۶]. صبر را بالش کن، و فقر را در آغوش گیر، و شهوات را ترک کن، و با هوای نفس مخالفت کن و بدان که از دیده‌ی خدا پنهان نیستی، پس بنگر که چگونه‌ای.

پاسخ به یک سؤال فقهی

قال المأمون ليحيى بن أكرم: اطرح على أبي جعفر محمد بن الرضا عليهما السلام مسألة تقطعه فيها. فقال يا أبا جعفر ما تقول فى رجل نكح امرأة على زنا [صفحه ۲۷۰] أيحل أن يتزوجها؟ فقال عليه السلام: يدعها حتى يستبرئها من نطفته و نطفة غيره، اذ لا يؤمن منها أن تكون قد أحدثت مع غيره حدثا كما أحدثت معه. ثم يتزوج بها ان أراد، فانما مثلها مثل نخلة أكل رجل منها حراما ثم اشترىها فأكل منها حلالا فانقطع يحيى. [۱۷]. مأمون به يحيى بن اكرم گفت: مسأله‌ای برای ابی جعفر (امام محمد تقی) عنوان کن که در آن بماند و پاسخی نتواند! آنگاه يحيى گفت: ای اباجعفر! چه گویی درباره‌ی مردی که با زنی زنا کرده، آیا رواست که او را به زنی گیرد؟ امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود: او را وانهد تا از نطفه‌ی وی و نطفه‌ی دیگری پاک گردد، زیرا بعید نیست که با دیگری هم آمیزش کرده باشد. پس از آن، اگر خواست او را به زنی گیرد، زیرا که مثل او مانند مثل درخت خرمايی است که مردی به حرام از آن خورده، سپس آن را خریده و به حلال از آن خورده است. يحيى درمانده شد!

عالمان غریب

ألعلماء غرباء لكثرة الجهال. [۱۸]. عالمان، به سبب زیادى جاهلان، غریبند!

در جواب یک معمای فقهی

يا أبا محمد ما تقول فى رجل حرمت عليه امرأة بالغداة و حلت له ارتفاع النهار و حرمت عليه نصف النهار، ثم حلت له الظهر ثم حرمت عليه العصر، ثم حلت له المغرب، ثم حرمت عليه نصف الليل ثم حلت [صفحه ۲۷۱] له الفجر، ثم حرمت عليه ارتفاع النهار، ثم حلت له نصف النهار؟ فبقی يحيى و الفقهاء بلسا خرسا! فقال المأمون: يا أبا جعفر أعزك الله بين لنا هذا؟ فقال عليه السلام هذا رجل نظر الى مملوك لا- تحل له، اشترىها فحلت له. ثم أعتقها فحرمت عليه، ثم تزوجها فحلت له، فظاهر منها فحرمت عليه. فكفر الظهار فحلت له، ثم طلقها تطليقة فحرمت عليه، ثم راجعها فحلت له، فارتد عن الاسلام فحرمت عليه، فتاب و رجع الى الاسلام فحلت

له بالنکاح الأول، كما أقر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نكاح زينب مع أبي العاص بن الربيع حيث أسلم على النكاح الأول. [۱۹]. امام جواد علیه السلام به یحیی بن اکثم فرمود: ای ابامحمد! چه گویی درباره‌ی مردی که بامداد زنی بر وی حرام بود و روز که برآمد بر او حلال شد، نیمه‌ی روزش حرام شد و هنگام ظهرش حلال گردید و وقت عصر بر او حرام شد و مغربش حلال گردید و نیمه شب بر او حرام شد و سپیده دم بر وی حلال شد و روز که برآمد بر او حرام شد و نیمه روز بر او حلال گردید. یحیی و دیگر فقها در برابر او حیران گردیده و از کلام بازمانند! مأمون گفت: یا اباجعفر! خدای، عزیزت بدارد. این مسئله را برای ما بیان کن. امام علیه السلام فرمود: این مردی است که به کنیزک دیگری نگاه کرده و او را خریده و بر وی حلال شده، سپس آزادش کرده و بر او حرام شده، سپس او را به زنی گرفته و بر او حلال شده، وظهارش کرده [۲۰] و بر او حرام شده و کفاره‌یظهار داده و حلال شده، سپس یک بار طلاقش داده و حرام شده، سپس به او رجوع [صفحه ۲۷۲] کرده و حلال شده، پس آن مرد از اسلام برگشته و زن بر او حرام شده و باز توبه کرده و به اسلام برگشته و به همان نکاح سابق بر او حلال شده، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زینب را به ابی العاص بن ربیع که مسلمان شد، به همان نکاح اول تسلیم نمود.

پاسخ مبسوط امام جواد به یک سؤال فقهی حج

قال المأمون: يا يحيى سل أبا جعفر عن مسألة في الفقه لتنظر كيف فقهه؟ فقال يحيى: يا أبا جعفر أصلحك الله ما تقول في محرم قتل صيدا؟ فقال أبو جعفر عليه السلام: قتله في حل أو حرم، عالما أو جاهلا، عمدا أو خطأ، عبدا أو حرا صغيرا أو كبيرا، مبدئا أو معيدا، من ذوات الطير أو غيره؟ من صغار الطير أو كباره. مصرا أو نادما، بالليل أو في أو كارها أو بالنهار و عيانا، محرما للحج أو للعمرة؟ قال: فانقطع يحيى انقطاعا لم يخف على أحد من أهل المجلس انقطاعه و تحير الناس عجباً من جواب أبي جعفر عليه السلام. ... فقال المأمون: يا أبا جعفر ان رأيت أن تعرفنا ما يجب على كل صنف من هذه الأصناف في قتل الصيد؟ فقال عليه السلام ان المحرم اذا قتل صيدا في الحل و كان الصيد من ذوات الطير من كبارها فعليه الجزاء مضاعفا. و ان قتل فرخا في الحل فعليه حمل قد فطم فليست عليه القيمة لأنه ليس في الحرم. و اذا قتله في الحرم فعليه الحمل و قيمة الفرخ. و ان كان من الوحش فعليه في حمار الوحش بقرة و ان كان نعامة فعليه بدنة. فان لم يقدر [صفحه ۲۷۳] فاطعام ستين مسكينا. فان لم يقدر فليصم ثمانية عشر يوما. و ان كان بقرة فعليه بقرة. فان لم يقدر فليطعم ثلاثين مسكينا، فان لم يقدر فليصم تسعة أيام. و ان كان ضييا فعليه شاة، فان لم يقدر فليطعم عشرة مساكين، فان لم يجد فليصم ثلاثة أيام. و ان أصابه في الحرم فعليه الجزاء مضاعفا «هديا بالغ الكعبة» حقا واجبا أن ينحره ان كان في حج بمنى حيث ينحر الناس. و ان كان في عمرة ينحره بمكة في فناء الكعبة و يتصدق بمثل ثمنه حتى يكون مضاعفا، و كذلك اذا أصاب أربنا أو ثعلبا فعليه شاة و يتصدق بمثل ثمن شاة. و ان قتل حماما من حمام الحرم فعليه درهم يتصدق به. و درهم يشتري به علفا لحمام الحرم. و في الفرخ نصف درهم. و في البيضة ربع درهم و كل ما أتى به المحرم بجهالة أو خطأ فلا شيء عليه الا الصيد. فان عليه فيه الفداء بجهالة كان أم بعلم، بخطا كان أم بعمد. و كل ما أتى به العبد فكفارته على صاحبه مثل ما يلزم صاحبه. و كل ما أتى به الصغير الذي ليس ببالغ فلا شيء عليه. فان عاد فهو ممن ينتقم الله منه. و ان دل على الصيد و هو محرم و قتل الصيد فعليه فيه الفداء. و المصر عليه يلزمه بعد الفداء العقوبة في الآخرة. و النادم لا شيء عليه بعد الفداء في الآخرة. و ان أصابه ليلا أو كارها خطأ فلا شيء عليه الا أن يتصيد ليل أو نهار فعليه فيه الفداء، و المحرم للحج ينحر الفداء بمكة. [۲۱]. مأمون به يحيى بن اکثم گفت: از ابوجعفر (امام محمد تقی) مسأله‌ای فقهی پرس تا بنگری در فقه چگونه است. [صفحه ۲۷۴] یحیی گفت: ای اباجعفر! خدا کارت را رو به راه کند، چه می‌گویی درباره‌ی محرمی که شکاری را کشته است؟ امام جواد علیه السلام گفت: آن صید را در حل کشته یا در حرم؟ عالم بوده یا جاهل؟ به عمد بوده یا به خطا؟ آن محرم بنده بوده یا آزاد؟ صغیر بوده یا کبیر؟ نخستین صید او بوده یا صید دوباره‌ی او؟ آن صید پرنده بوده یا غیر آن؟ پرنده‌ی کوچک بوده یا بزرگ؟ محرم باز قصد صید پرنده داشته و مصر بوده یا توبه کرده؟ آن صید در

شب بوده و در آشیانه‌اش بوده یا در روز و آشکارا؟ محرم برای حج بوده یا عمره؟ راوی گوید: یحیی بن اکثم طوری واماند که واماندگی‌اش بر احدی از اهل مجلس پوشیده نماند و همه‌ی مردم از جواب امام جواد علیه‌السلام در شگفت ماندند. بعد از آن که مردم پراکنده شدند، مأمون گفت: ای اباجعفر! اگر صلاح بدانی، آنچه را که بر هر صنف از این اصناف در قتل صید، واجب است به ما بشناسان! امام جواد علیه‌السلام در پاسخ فرمود: چون محرم، صیدی از پرنده‌های بزرگ را در حل بکشد، یک گوسفند کفاره بر او باشد. و اگر در حرم باشد کفاره دو چندان است. و اگر جوجه‌ای را در حل بکشد بره‌ی از شیر گرفته‌ای بر اوست و بها بر او نیست چون در حرم نبوده است. و اگر در حرم باشد بره و بهای جوجه هر دو به عهده‌ی اوست. و اگر آن صید حیوان وحشی باشد، در گور خر وحشی، گاوی باید. و اگر شتر مرغ است یک شتر باید. و اگر نتواند شصت مسکین را اطعام کند. و اگر آن را هم نتواند هجده روز روزه بدارد. و اگر شکار، گاو باشد بر او گاوی است. و اگر نتواند سی مسکین را طعام بدهد. و اگر آن را هم نتواند نه روز روزه بگیرد. و اگر آهو باشد یک گوسفند بر اوست، و اگر نتواند ده مسکین را طعام دهد و اگر نتواند سه روز را روزه بدارد. و اگر در حرم شکارش کرده کفاره دوچندان است و باید آن را به کعبه رساند و قربانی کند و حق واجب است [صفحه ۲۷۵] که اگر در احرام حج باشد، کفاره را در منی بکشد آنجا که قربانگاه مردم است. و اگر در عمره باشد در مکه و در پناه کعبه بکشد. و به اندازه‌ی بهایش هم صدقه بدهد تا دو چندان باشد. و همچنین اگر خرگوشی یا روباهی صید کند یک گوسفند بر اوست و به اندازه‌ی بهایش هم باید صدقه بدهد. و اگر یکی از کبوتران حرم را بکشد یک درهم صدقه دهد و درهم دیگری هم دانه بخرد برای کبوتران حرم. و اگر جوجه باشد نیم درهم. و اگر تخم باشد یک چهارم درهم. و هر خلافی که محرم از راه نادانی و یا خطا مرتکب شود کفاره ندارد، جز همان صید که کفاره دارد، جاهل باشد یا عالم، خطا باشد یا عمد. و هر خلافی بنده کند تمام کفاره‌اش بر مولای اوست. و هر خلافی کودک نابالغ کند چیزی بر او نیست. و اگر بار دوم صید او باشد خدا از او انتقام کشد [و کفاره ندارد]. اگر محرم شکار را به دیگری نشان بدهد و او آن را بکشد کفاره بر اوست. و آن که اصرار دارد و توبه نکرده پس از دادن کفاره، عذاب آخرت هم دارد. و اگر پشیمان است پس از کفاره، عذاب آخرت ندارد. اگر شبانه از آشیانه به خطا شکار کرده چیزی بر او نیست، مگر قصد شکار داشته باشد. و اگر عمدا شکار کند، در شب باشد یا روز، کفاره بر اوست. و آن که محرم به حج است باید کفاره را در مکه قربانی کند.

سرچشمه‌ی دانش علی

علم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علیا علیه‌السلام ألف کلمه، کل کلمه یفتح ألف کلمه. [۲۲]. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، هزار کلمه [از علوم را] به علی علیه‌السلام آموخت که از هر کلمه‌ی ای هزار کلمه منشعب می‌شد. [صفحه ۲۷۶]

سفارش پیامبر اکرم به فاطمه

ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال لفاطمه علیهاالسلام اذا أنامت فلا تخمشی علی وجهها، و لا ترخی علی شعرا، و لا تنادی بالویل و لا تقیمی علی نائحه، ثم قال: هذا المعروف الذی قال الله عزوجل فی کتابه «و لا یعصینک فی معروف» (سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱۲) [۲۳]. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیهاالسلام گفت: وقتی که من از دنیا رفتم به خاطر من صورت را نخراش، و مو را پریشان منماید، و اوایل نکن و بر من نوحه نخوان، سپس فرمود: این همان معروفی است که خداوند عزوجل در کتابش فرموده: «و تو را در معروفی نافرمانی نکنند.»

ان القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره، و هو الثالث من ولدي. [۲۴]. همانا قائم از ماست، او همان مهدي است که واجب است در زمان غيبتش منتظرش باشند و در وقت ظهورش اطاعتش کنند، و او سومين نفر از اولاد من است.

ديدار با دوستان

ملاقات الاخوان نشره و تلقيح للعقل و ان كان نورا قليلا. [۲۵]. ملاقات و زيارت برادران سبب گسترش و باروری عقل است، اگر چه کم و اندک باشد. [صفحه ۲۷۷]

هوای نفس

من أطاع هواه أعطى عدوه مناه. [۲۶]. کسی که فرمان هوای نفس خویش را برد، آرزوی دشمنش را برآورد.

مرکب شهوت

راكب الشهوات لا تستقال له عثره. [۲۷]. کسی که بر مرکب شهوات سوار است، از لغزش در امان نخواهد ماند.

متمسکين به خدا

كيف يضيع من الله كافلة، و كيف ينجوا من الله طالبه و من انقطع الي غير الله و كله الله اليه. [۲۸]. چگونه ضایع می شود کسی که خدا، عهده دار و سرپرست اوست؟ و چگونه فرار می کند کسی که خدا جوینده‌ی اوست؟ کسی که از خدا می برد و به غیر خدا می پیوندد، خداوند او را به همان شخص واگذارد.

شناخت آغاز و انجام

من لم يعرف الموارد أعيته المصادر. [۲۹]. کسی که محل ورود را نشناسد، از یافتن محل خروج درمانده گردد.

نتیجه‌ی تلاش استوار

اتتد تصب أو تكد. [۳۰]. [صفحه ۲۷۸] سخت بکوش تا به مقصود دست یابی، و گر نه در رنج فرومانی.

سپاس نعمت

نعمة لا تشكر كسيئها لا تغفر. [۳۱]. نعمتی که برای آن شکرگزاری نشود، مانند گناهی است که آمرزیده نگردد.

سازش با مردم

من هجر المدارة قاربه المکروه. [۳۲]. کسی که سازش و مدارا با مردم را رها کند، ناراحتی به او روی می آورد.

نتیجه‌ی کار بدون آگاهی

من عمل علی غیر علم ما یفسد أكثر مما یصلح. [۳۳]. کسی که کاری را بدون علم و دانش انجام دهد، افسادش بیش از اصلاحش

خواهد بود.

قضای حتمی

اذا نزل القضاء ضاق الفضاء. [۳۴]. چون قضای الهی فرود آید، عرصه بر آدمی تنگ آید. [صفحه ۲۷۹]

افشاگری زمان

الایام تهتك لك الأمر عن الأسرار الكامنة. [۳۵]. روزگار و گذشت زمان، پرده از روی کارهای نهفته‌ات برمی‌دارد.

دقت و خودپایی

ألتحفظ علی قدر الخوف. [۳۶]. خود را پاییدن به اندازه‌ی ترس است.

چنین مباش

لا- تكن وليا لله في العلانية و عدوا له في السر. [۳۷]. در ظاهر دوست خدا و در باطن دشمن او مباش. چهار عامل محرک أربع خصال تعین المرء علی العمل: الصحة و الغنى و العلم و التوفيق. [۳۸]. چهار چیز است که شخص را به کار و امی دارد: سلامت، بی‌نیازی، دانش و توفیق.

رضایتی که در حکم عمل است

العالم بالظلم و المعین له و الراضی به، شرکاء. [۳۹]. [صفحه ۲۸۰] کسی که آگاه به ظلم است و کسی که کمک کننده‌ی بر ظلم است و کسی که راضی به ظلم است، هر سه شریکند.

گناهان مرگ خیز

موت الانسان بالذنوب أكثر من موته بالأجل و حیاته بالبر أكثر من حیاته بالعمر. [۴۰]. مرگ آدمی به سبب گناهان، بیشتر است از مرگش به واسطه‌ی اجل، و زندگی و ادامه‌ی حیاتش به سبب نیکوکاری، بیشتر است از حیاتش به واسطه‌ی عمر طبیعی.

عوامل جلب محبت

ثلاث خصال تجلب بها المودة: الأنصاف و المعاشرة و المواساة فی الشدة و الانطواء علی قلب سلیم. [۴۱]. سه چیز است که به وسیله آن دوستی حاصل گردد: انصاف، و معاشرت و همیاری در وقت سختی، و سپری نمودن عمر با قلب پاک.

اعتماد به خدا، نردبان ترقی

الثقة بالله ثمن لكل غال و سلم الی کل عال. [۴۲]. اعتماد به خداوند بهای هر چیز گرانبها و نردبان هر امر بلند مرتبه‌ای است. [صفحه ۲۸۱]

سرعت تقرب، با دل‌های پاک

ألقصد الى الله تعالى بالقلوب أبلغ من اتعاب الجوارح بالأعمال. [۴۳]. با دلها به سوی خداوند متعال آهنگ نمودن، رساتر از به زحمت انداختن اعضا با اعمال است.

پرهیز از آدم شرور

ایاک و مصاحبه الشریر فانه کالسیف المسلول یحسن منظره و یقبح اثره. [۴۴]. از همراهی و رفاقت با آدم شرور و بدجنس پرهیز، زیرا که او مانند شمشیر برهنه است که ظاهرش نیکو و اثرش زشت است.

مانع خیر، دشمن آدمی است

قد عاداک من ستر عنک الرشد اتباعا لما تهواه. [۴۵]. کسی که به خاطر هوای نفسش هدایت و ترقی را از تو پوشیده داشته، حقا که با تو دشمنی ورزیده است.

اسباب رضوان خدا و رضایت آدمی

ثلاث یبلغن بالعبد رضوان الله تعالى: كثرة الاستغفار، و لین الجانب، و كثرة الصدقة. و ثلاث من کن فیہ لم یندم: ترک العجلة. و المشورة، و التوکل علی الله عند العزم. [۴۶]. [صفحه ۲۸۲] سه چیز است که رضوان خداوند متعال را به بنده می‌رساند: ۱- زیادی استغفار. ۲- نرمخو بودن. ۳- و زیادی صدقه. و سه چیز است که هر کس آن را مراعات کند، پشیمان نشود: ۱- ترک نمودن عجله، ۲- مشورت کردن، ۳- و به هنگام تصمیم، توکل بر خدا نمودن.

پاورقی

[۱] پیشوایان ما، ص ۲۵۵ - ۲۴۶.

[۲] زندگی دوازده امام، جلد دوم، ص ۲۴۷.

[۳] دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۶۸.

[۴] در سال درگذشت امام جواد اختلاف تاریخی وجود دارد، عده‌ای آن را سال ۲۲۰ و بعضی دیگر آن را سال ۲۲۵ گفته‌اند.

[۵] تحف العقول، ص ۴۵۷.

[۶] همان، ص ۴۵۷.

[۷] همان، ص ۴۵۷.

[۸] تحف العقول، ص ۴۵۷.

[۹] همان، ص ۴۵۶.]

[۱۰] منظور آیه این است که زیانکاران، مکر و مجازات خداوند را ناچیز می‌انگارند و آنچنان کیفرهای الهی را فراموش می‌کنند که خود را در نهایت امنیت می‌بینند.

[۱۱] همان، ص ۴۵۶.

[۱۲] تحف العقول، ص ۴۵۶.

[۱۳] همان، ص ۴۵۶.

- [۱۴] تحف العقول، ص ۴۵۶.
- [۱۵] همان، ص ۴۵۵-۴۵۶.
- [۱۶] همان، ص ۴۵۵.
- [۱۷] پیشین، ص ۴۵۴.
- [۱۸] مسند الامام الجواد، ص ۲۴۷.
- [۱۹] تحف العقول، ص ۴۵۴.
- [۲۰] ظهار این است که کسی به زنش بگوید: ظهرک کظهر امی - یعنی پشت تو مانند پشت مادر من است.
- [۲۱] تحف العقول، ص ۴۵۲ و ص ۴۵۳.
- [۲۲] مسند الامام الجواد، ص ۹۷.
- [۲۳] مسند الامام الجواد، ص ۱۰۱.
- [۲۴] همان، ص ۱۳۱.
- [۲۵] همان، ص ۲۴۲.
- [۲۶] همان، ص ۲۴۳.
- [۲۷] پیشین، ص ۲۴۳.
- [۲۸] همان ص ۲۴۳.
- [۲۹] همان، ص ۲۴۳.
- [۳۰] همان، ص ۲۴۳.
- [۳۱] پیشین، ص ۲۴۳.
- [۳۲] همان، ص ۲۴۳.
- [۳۳] همان، ص ۲۴۴.
- [۳۴] همان، ص ۲۴۴.
- [۳۵] همان، ص ۲۴۵.
- [۳۶] پیشین، ص ۲۵۴.
- [۳۷] همان، ص ۲۴۵.
- [۳۸] همان، ص ۲۴۶.
- [۳۹] همان، ص ۲۴۷.
- [۴۰] مسند الامام الجواد، ص ۲۴۸.
- [۴۱] همان، ص ۲۴۸.
- [۴۲] همان، ص ۲۴۴.
- [۴۳] همان، ص ۲۴۴.
- [۴۴] پیشین، ص ۲۴۳.
- [۴۵] همان، ص ۲۴۴.
- [۴۶] همان، ص ۲۴۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

